



کناره

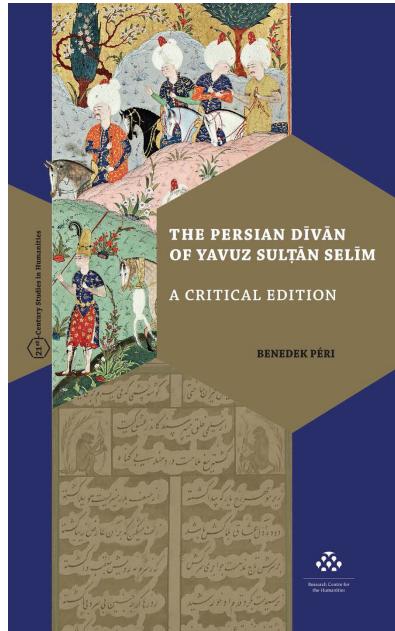
فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، فسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال چهارم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۸ [انتشار: پاییز ۱۴۰۰]

| ویژه تاریخ زبان و فرهنگ ایران در آذربایجان، قفقاز و آناتولی |

- رسانی: آذربایجان و تاریخ زبان و فرهنگ ایرانی • ظریغ: تئییف پژوهش‌های آذربایجان و آناتولی / علی شاپوریان • ریشه‌شناسی: دنام جغرافیایی مروط به آذربایجان، اعلیٰ صافیوی
- نمایندگان و دیگر کسانه مخصوص گویشی امغوی / سده احمدیها قائم‌مقامی • آسمان‌ها و ایوان‌ها: سوراگانی دور از هم با مراث مشترک پادشاهی / بیهوده غولزیزی، معتمدی فرموزی
- اشاره قطب‌اللین عقیقی امغوی (آمدوی) به دودن لبایی / دریاچه‌تلخ بزرگ سلطان سلوچی، آیا سلطان در صفر ۷/۷ قدر گذشتند است؟ / محس شرقی صحی • جلسه‌شناسنامه، دهستانی، روایتی
- کهن در حسر مغارب در مسخ و تبدیل ایلان / امهدی یا لحنی • ساقی تزیزی، غمال داشت‌دانه‌ای شاهدند در تبریز و قله‌چاری / اسکاد آینه‌نو • پند اسلام‌پسند، نصیحت‌الملوک‌ها در آناتولی اولیل
- قون هشم هجری / ایس اس پیکاک از زیسته شکوفه میانی • سده نامه به فارسی سره از شاهه هشم در آناتولی در مدت شنیشت «نامه سلطان» / امیر به مرشدی، سلطان ولد طرفت شاعرانه: گهن / پیکانی خصوصیات و کارکرد شمر در سنت مولویه پس از مولوی / اولین‌گلوبوس، ترجمه: مولوی پیکانی خسنه • بخشی در راه فردیک المراقة بر مبنای نسخه‌های کهن / علی شاپوران • سفینه‌نویسی و مخدوخته دوچی؛ برسی نو مسینه‌گهون فارسی در حوزه‌تلخی / اینه علی می‌لقفلی • اشاره فارسی گهون سده هشم آناتولی در پیشک اشیه (نسخه ۱۴۵۰)
- کتابخانه‌ایلدا / احمد پیشی • نامه درودش کارزنی به سلطان امدادی گهون کار و پیشنهاد اتحاد با سلطان محمد فاتح (کارون) بر نقش سیلسی صوره در تحولات سده نهم هجری / عدادالتن شیخ الحکمایی • سلسلت تاریخ‌گاری فارسی در دیوار سبلان یکم شله قلم و تکر الجواهر / فوقاد اینس • در آمادی بر شش های دویان عرضی شیرازی در آسیای صخره / فریبا شکوهی • معرفی کتاب «اسلام اثبات و جامعه در آناتولی عصر ایلخانی» نوشته اندرو سی، اس. پیکاک / داریله درون‌گلکی (ایران‌گلکی) با همکاری عباس سلیمان‌نکحی
- کامی به کارکه‌های پاشنه‌ی در اوخر سدهای میانه در جهان اسلام همچنان ایرانی و شکل دادن بالاکوی حکمرانی عشقی / الدور پیکاک، زمینه علی شاپوران • نقایی بر آناتولی
- تصویر دویان اشاره فارسی پاژور سلطان سلیم / اینها احمدی • شعر و شخصیت همدم و غنی از در دویان سعیدی (پیوسنگی فرعونی شیرز و شیراز) / محمود عابدی





استاد مطالعات ترکی این دانشگاه، در این حوزه مقالات متعددی نوشته است و به تازگی چاپی انتقادی از دیوان سلطان سلیم اوّل عثمانی را نیز تحت حمایت مالی بنیاد خیریّه The Andrew W. Mellon پیشفرفت تحقیقات ملّی مجارستان، در مرکز تحقیقات علوم انسانی دانشگاه اتووش لوراند منتشر کرده است. در یادداشت حاضر نشان خواهیم داد به رغم بهره‌مندی مصحّح از امکانات لازم و نسخه‌های متعدد باکفیّت، این چاپ فاقد فایدهٔ تحقیقی و ادبی است. از آنجا که مصادیق انواع خطای در این تصحيح بیش از آن است که همگی قابل ذکر باشد، نگارنده به ذکر محدودی مثال‌های آشکار از هر کدام بسته کرده است. در نقل ابیات رسم الخط چاپ پری تغییر کرده و غلط‌های املایی تصحیح شده است، مگر آنکه هدف نشان دادن ایرادات ویرایشی-نگارشی بوده باشد.

۱. مقدمه (ص ۱۳-۶۵)^۳

۱.۱. استفاده از منابع فارسی

تحقیقات به زبان فارسی دربارهٔ شعر فارسی در آسیای صغیر و شعر سلطان سلیم نسبتاً کم‌شمار ولی پرسابقه است و دست‌کم از بهار ۱۳۰۵ ش/ ۱۹۲۶ م که عبدالحسین میکده

^۳ در این مقاله به کتاب موضوع نقد تنها با ذکر شماره صفحه ارجاع داده شده است.

نقدی بر آخرین تصحيح دیوان اشعار فارسی یا ووز سلطان سلیم

آنیتا احمدی*

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران
Anita.ahmadi@ut.ac.ir

The Persian Divān of Yavuz sultān selīm (A Critical Edition). Benedek Péri. Budapest: Eötvös Loránd Research Network, Research Centre for Humanities, 2021.

پیوستگی ادبیات فارسی با زبان‌های ترکی، از جمله زبان و ادبیات عثمانی و ترکیه، موضوعی است که بررسی آن سبقه‌ای طولانی دارد، اما اخیراً، بهویژه در دپارتمان‌های مطالعات ترکی در سراسر جهان، علاوه‌به آن افزایش یافته است. در این میان، گروه مطالعات ترکی و مرکز ایرانی دانشگاه «اتوش لوراند»^۱ مجارستان در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به تاریخ روابط فرهنگی ایران و ترکیه نشان داده است.^۲ بیندیک پری،

* بر خود فرض می‌دانم که از لطف و همراهی آقای علی شاپوران تشکر کنم که در تمامی مراحل نگارش این مقاله از راهنمایی ایشان بهره برده‌ام.

۱. Eötvös Loránd University.

۲. این مرکز در سپتامبر ۱۹۹۸ گردهمایی ویژه‌ای تحت عنوان «تاریخ روابط فرهنگی ایران و ترکیه در سده‌های ۱۱-۱۷» با هدف گسترش تحقیقات در این زمینه برگزار کرده است. هر چند عدمه مقالات ارائه شده در این همایش درباره روابط عثمانی-صفوی در سده شانزدهم بوده است، می‌توان آن را فتح بابی دانست برای شروع بررسی جوانب مختلف روابط فرهنگی ایران و آناتولی. ماحصل مقالات این گردهمایی در سال ۲۰۰۴ در کتابی با عنوان *Irano-Turkic Cultural Contacts in the 11th-17th Centuries* به کوشش اوا ام. ژرمیاس در بوداپست، مرکز مطالعات خاورمیانه این سینا، منتشر شد. این کتاب با ترجمه فارسی عباسقلی غفاری فرد، با عنوان تاریخ پیوستگی فرهنگ ایران با فرهنگ زیان‌های ترکی در سده‌های ۱۱-۱۷ در سال ۱۳۸۶ در مؤسسه انتشارات امیرکبیر به چاپ رسیده است.

۲. شیوه نقد گذشتگان

پری در همین بخش نخست، در کنار معرفی منابع تحقیقی و چاپ‌ها، نقدهایی را نیز بر برخی از آنان وارد کرده است. جدا از درستی یا نادرستی این نظرها، طرح آن‌ها در این مقدمه نشانهٔ تسلط و دقت مصحح نیست، زیرا تقریباً تمام ایراداتی که پری بر آثار دیگران وارد کرده است، با سامدی بیشتر، در پژوهش و تصحیح خود او نیز دیده‌می‌شود. به‌طور مثال، در نقد چاپ حسین حُسْنی که در استانبول منتشر شده (سلیم، ۱۳۰۶ق) می‌نویسد:

حُسْنی در خلال خواندن و درک دستخط نسخه [= نسخه فاتح ۳۸۳] مرتکب خطاهای بسیار شده است، در نتیجه این تصحیح قابل اعتماد نیست. (ص ۱۴)

تنها مثال او برای «خطاهای بسیار» آن تصحیح آن است که در مصوع «سلیم از وادی غم گربه تخت شاهی افتاده است»، به‌جای واژه «گر»، «گبر» آمده، با این فرض که احتمالاً حُسْنی لکه‌ای را که در نسخه زیر «گر» دیده‌می‌شود فقط تصور کرده است (همان‌جا). چنین نقدی بر این چاپ و دقت در یک نقطه و لکه بر کاغذ نسخه‌ای خطی می‌تواند نشانه‌ای از دقت مصحح به نظر برسد، اما چنان‌که در ادامه نشان خواهیم داد، دست‌کم بیست مورد خطا از همین قبیل در خواندن نسخه‌ها در تصحیح خود پری وجود دارد و این جز خطاهای ناشی از بی‌دقّتی در انتقال ضبط‌ها به متن و ایرادات حروف‌چینی است که بیش از صد بار رخ داده است. پری در ادامه به نقص نسخه‌بدل‌ها در چاپ هورن اشاره کرده است (ص ۱۵) که این مورد نیز در چاپ خود او فراوان یافت می‌شود و در ادامه بررسی خواهد شد.

۱. نسخه‌ها

در انتهای بخش اول از مقدمه، مصحح متذکر می‌شود که با بررسی تذکره‌ها، به وجود ابیاتی از سلیم پی برده که در چاپ هورن وجود نداشته و همین امر موجب شده تا کار تصحیح را آغاز کند (ص ۱۸). سپس ادامه می‌دهد:

از آنجا که وجود نسخه‌هایی که شامل این ابیات باشند امری محتمل بود، پژوهه با تفحص نسخ ناشناخته برای هورن شروع شد و در نتیجه این واکاوی -که شامل رایزنی با مسئولان و صاحبان کتابخانه‌ها در استانبول و بررسی

مقاله‌ای در روزنامهٔ شرق با عنوان «نفوذ ادبیات ما در سایر ملل: سلطان سلیم اول و ادبیات ایران»^۴ منتشر کرد (یعنی از همان سال‌ها که علی نیهات تران در ترکیه مشغول ترجمه اشعار سلیم به ترکی بود) به این سو ادامه داشته است. با این حال، مشخص نیست مصحح به چه علت پس از حداقل هشت سال تبع دربارهٔ شعر سلیم^۵، لازم ندیده‌است نه فقط به تحقیقات قدیمی‌تر، بلکه حتی به یک تحقیق فارسی متأخر در این حوزه مراجعه یا اشاره کند. در بخش نخست مقدمه این تصحیح -که به معرفی «تحقیقات پیشین» دربارهٔ سلیم و چاپ‌های دیوان اختصاص پیدا کرده است (ص ۱۹-۱۳)- جز اشاره‌ای مختصر به یک کتاب، یعنی زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی از محمد‌امین ریاحی، نامی از نویسنده‌گان ایرانی و تحقیقات فارسی به میان نیامده است. علاوه بر آن و مهم‌تر از آن، تصحیحی از دیوان سلطان سلیم در سال ۱۳۸۶، یعنی حدوداً ۱۴ سال پیش از انتشار این تصحیح، در ایران چاپ شده است^۶ و معلوم نیست پری از این تصحیح خبر نداشته یا آگاهانه به آن اشاره نکرده است. نگارنده امیدوار است فرض اول درست باشد، ولی همین بی‌خبری نیز نقصی در کار اوست، زیرا از محقق انتظار می‌رود از پیشینه تحقیق، بهخصوص اگر عیناً همان کاری باشد که قصد دارد انجام دهد، آگاه باشد و به آن اشاره کند. علاوه بر آن، پری با ایران بی‌ارتباط نبوده است و چنان‌که خواهیم دید تعدادی از نسخه‌های اساس تصحیح خود را از ایران فراهم کرده است، و از سوی دیگر خبردار شدن از وجود تصحیح یادشده نیز دشوار نبوده است: کافی است کسی عبارت «دیوان سلطان سلیم عثمانی» را در اینترنت جست‌وجو کند تا در همان نگاه اول از وجود تصحیح مزبور آگاه شود.

۴. شرق، بهار ۱۳۰۵، پیش‌شماره دوم، ص ۳۱-۳۶.

۵. پری خود در مقدمه (ص ۱۷) نوشته که بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۲۰ مقالات متعددی دربارهٔ جنبه‌های متفاوت شعر سلیم نوشته‌است.

۶. دیوان سلطان سلیم عثمانی، به کوشش عبدالحسین اسماعیل نسب، معاونت پژوهشی دانشگاه ازاد، ۱۳۸۶. تحقیق در کم و کیف چاپ ایران موضوع یادداشت حاضر نیست و باید به‌طور مفصل در جای دیگر به آن پرداخت. این جا صرفاً به این اشاره بستنده می‌کنیم که این تصحیح ضرورت چاپ یک تصحیح انتقادی از دیوان سلطان سلیم را برطرف نمی‌کند، ولی ضرورت و بلکه فایده چاپ اثری با کیفیت تصحیح پری را زیر سوال می‌برد.

على رغم آنکه افرادی سعی داشته‌اند اشعار ترکی به او نسبت بدھند، شعر به ترکی نسروده است (همانجا). از کوشش برای حلّ این تناقض آشکار در مقدمهٔ پری اثری نیست و البته حلّ آن با اطلاعات یادشده ممکن نیست. اقوال و منابع دیگری دربارهٔ شعر سروden سلیم به زبان ترکی وجود دارد که به آن‌ها هم اشاره نشده‌است؛ مثلاً، از طرفی فخری هروی در روضة السلاطین -که ظاهراً بین ۹۵۷ و ۹۵۸ق نوشته شده‌است- می‌نویسد: «على الخصوص شعر را به زبان فارسی می‌گوید. دیوان اشعارش را تمام دیدم» (فخری هروی، ۱۳۴۵: ۷۲) که در آن ذکری از اشعار ترکی سلیم نیست. حتی پری خود پیش‌تر در مقاله‌ای از لطیفی، تذکره‌نویس عثمانی، نقل کرده‌است که سلیم تنها کسی [در میان ترک‌زبانان] است که دیوان به فارسی دارد ولی شعر ترکی ندارد (PERI, 2017: 74). از سوی دیگر حکیم‌شاه قزوینی در ترجمة فارسی کتاب مجالس التقاش -که در ۹۲۹ق و به سفارش سلیم آن را به اتمام رسانده- ذیل احوالات او می‌نویسد:

بر صاحب طبع سلیم مخفی نیست که چنین اشعار بسیار نیکوبه زبان فارسی از کسی که اصل زبان او ترکی باشد دلیل است بر کمال قدرت و مکنت او در شعر ترکی نیز و چون این کتاب فارسی بود ذکر اشعار ترکی او درین ننمود.
(حکیم‌شاه قزوینی، ۱۳۲۲: ۳۶۴)

که اگر صرفاً تعارفی چاپ‌لوسانه نباشد، نشانه این است که سلیم اشعار و ابیات ترکی نیز داشته‌است. ابوالقاسم حالت در شاهان شاعر (حالت، ۱۳۴۶: ۲۱۹) یک بیت ترکی از وی نقل کرده‌است. بعدتر محمدامین ریاحی در زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی (ریاحی، ۱۳۶۹: ۱۷۱) می‌نویسد: «گویا فقط یک بیت ترکی از او مانده است». ظاهراً به‌سبب محبوبیت و مرجعیت کتاب ریاحی، این قول در منابع فارسی رواج پیدا کرده و تکرار شده‌است. با این حال نویسنده کتاب تاریخ عثمانی مطلعی از یک غزل ترکی و یک تکبیت ترکی دیگر را از سلیم ضبط کرده‌است (حقی اوزون‌چارشی لی، ۱۳۹۱: ۳۲۸/۲-۳۲۹). تمام این نکات از مقدمهٔ پری غایب است و همین باعث شده نتواند در موضوعی با این اهمیت به نتیجهٔ روشنی برسد، به این

فهرست نسخ خطی از همه جای دنیا می‌شد - ۲۱ نسخه پیدا شد. (همانجا)

و در ادامه صرفاً به این بسنده کرده که «دسترس به نسخ لندن و اوپسالا^۷ ممکن نبوده است» (همانجا). از نوشتۀ پری معلوم نیست که دستنویس‌های موجود از دیوان سلیم منحصر به نسخ مزبور نیست. مثلاً روشن نیست مصحح به چه علت نتوانسته، یا لازم ندیده، در طی سال‌ها تلاش برای دست‌یابی به نسخ و با وجود همکاری با مسئول نسخ خطی در وزارت امور خارجه ایران، به نسخه‌های کاخ گلستان ۴۳۱ و دانشگاه تهران ۳۹۹۶ دست یابد. گردآوری و بررسی نسخه‌ها در ترکیه هم کامل نبوده است؛ برای مثال، نسخه راشد افندي ۱۲۸۹ با آنکه هم در دسترس بوده و هم از نسخی است که در زمان سلیم ثانی کتابت شده‌است و از این جهت شایسته توجه است، در میان نسخه‌های مورد استفاده او دیده‌نمی‌شود.

۱. بررسی‌های نیمه‌کاره

در بخش دوم این مقدمه، پری سعی می‌کند سلطان سلیم اوّل را در کسوت شاعر به خواننده بشناساند.^۸ به نظر می‌رسد حدّاقل به زبان انگلیسی، منبع دیگری وجود ندارد که اطلاعات موجود در متون مختلف و تحقیقات پیشین را بدین شکل یکجا جمع کرده باشد و این را می‌توان نقطهٔ مثبت این بخش شمرد، ولی اغلب نتیجه‌گیری منسجم و نهایی از گزاره‌ها ارائه نشده است. مثلاً در همان بند اوّل، به‌نقل از «افندی» در تاج التواریخ (۱۵۳۶-۱۵۹۹ق) می‌نویسد: «او [= سلیم اوّل] اشعار طراز اوّلی به سه زبان ترکی عثمانی، جغتایی و فارسی سروده است» (ص ۱۹) و در بند بعدی جهت تأکید بر اهمیت زبان فارسی در نظر سلیم، از هشت‌بهشت سهی بیگ چنین نقل می‌کند که سلیم،

۷. پری در معترضی نسخی که هورن در اختیار داشته اطلاعات نسخه اوپسالا را ذکر کرده است (ص ۱۵، پانویس). نگارنده به این نسخه دسترس پیدا کرد و از مقابله آن با چاپ هورن متوجه شد که نسخه مورد استفاده هورن این نسخه نبوده است؛ چرا که به دفعات نسخه‌بدل‌هایی را از نسخه موسوم به اوپسالا ذکر کرده است که در نسخه کنونی دانشگاه اوپسالا موجود نیست (دسترس به این نسخه را مدبیون آقای حیدر آلداؤود هستم که زحمت مراجعة حضوری و عکس‌برداری از آن را متحمل شدند).

8. Yavuz Sultan Selim the Poet.

چیست، و «پارادایم و معیارها»^۹ ادبی مدد نظر پری چه چیزهایی است و در این ارزیابی‌ها به کدام تحقیقات پیشین متکی بوده است. از سوی دیگر، اگر بر اساس عنوان «سلطان سلیم شاعر»، که پیشتر یاد کردیم، هدف پری طرح ابعاد مختلف شاعری سلیم بوده باشد، باید نه تنها تکلیف ترکی‌سرای او روش شود و علل فارسی‌نویسی سلیم با شواهدی محکم ارائه شود، بلکه جوانب گوناگون شاعری او کاویده شود. در عوض، ادامه «ارزیابی شعر سلطان سلیم» صرفاً به موضوع نظیره‌گویی اختصاص پیدا کرده است که پری پیشتر نیز مقالاتی در این موضوع منتشرکرده (نک. PERI, 2020a) و محتوای آن‌ها را بیش‌وکم در ۲۱ صفحه در این بخش تکرار کرده است. نظیره‌گویی از ویژگی‌های شعر سلیم است، ولی «ارزیابی شعر» او به بررسی نظیره‌گویی خلاصه نمی‌شود. شعر او ویژگی‌های قابل ذکر دیگری نیز دارد.^{۱۰} بی‌شک بررسی این ویژگی‌ها به داشش کافی در زبان و ادبیات فارسی نیازمند است و خواهیم دید که مصحح از چنین دانشی برخوردار نیست.

۱. روش

بخش آخر مقدمه پری «اصول بنیادی تصحیح انتقادی حاضر» نام گرفته است، اما در این بخش به ذکر این نکته بسنده شده که مصحح با بررسی نسخه‌ها تصمیم گرفته تا چاپ هورن را، علی‌رغم کاستی‌هایش، اساس قرار دهد و با نسخه‌های دیگر، علی‌الخصوص نسخه‌های قدیم‌تر، مقایسه کند و تطبیق بدهد (ص ۶۴). نه تنها علت اتخاذ این روش مشخص نیست، بلکه اعتبارسنجی و رتبه‌بندی نسخه‌ها (در صحّت ضبط‌ها، ایات افتاده و افزوده، اشعار الحاقی و محذوف، و تصحیف‌ها و تحریف‌ها) نیز معلوم نیست. ضوابط گرینش ضبط‌ها نیز، چه بر اساس اختصاصات زیان و سبک شاعر، و چه بر مبنای اعتبار نسخه‌ها و تعداد و ترتیب نسخه‌هایی که باید همراه شوند تا ضبطی به متن برود، از مقدمه مفقود است. پذیرفتن این که اساساً مصحح در بند چنین نکاتی نبوده راحت‌تر است تا این‌که باور کنیم به این موارد اندیشیده و لی تصمیم گرفته یادی از آن‌ها نکند

۱۰. ایرادات پری در بررسی نظیره‌گویی در اشعار سلیم موضوع یادداشت دیگری از نگارنده خواهد بود.

ترتیب که به نظر می‌رسد سلیم استثنائاً و ندرتاً شعر ترکی می‌سروده و آن‌ها را شایسته ثبت نیز نمی‌دیده است (فراموش نکنیم که رسمی رایج بوده است که ادبیات ترک‌زبان از ناتوانی و نازیابی‌زبان ترکی در بیان احساسات و معانی شکوه کنند).

۱. ۵. شیوه اثبات فرضیات

پری بند بعدی را این‌طور شروع می‌کند که:

در نتیجه یا ووز سلطان سلیم، تقریباً تمام اشعارش را در بازه‌ای از زمان به فارسی سروده است که پارادایم و معیارهای ادبی سلطنتی و [ترکی] عثمانی-فارسی قویاً شکل گرفته بود و این پیش‌رفت جدید به انفعالی در تولید محتوایی باکیفیت در ترکی منجر شد. (ص ۱۹)

و پس از این به صورت خلاصه به شرح نظری می‌پردازد که پیش‌تر یادداشتی مستقل نیز در خصوص آن به انتشار رسانده است؛^۹ یعنی این فرض که فارسی‌سرای سلیم بخشی از برنامه‌ای بزرگ‌تر در راستای جنگ تبلیغاتی عثمانی-صفوی بوده است. پری کوشیده است تمام منابع را در جهت اثبات این فرضیه تفسیر کند. هرچند ارزیابی این نظر موضوع یادداشت حاضر نیست، نباید ناگفته گذاشت که وقتی پادشاهی با آن همه مشغله به درجه‌ای از ادبیت و شاعری در فارسی رسیده است که در بین ادبی دربار و کشورش واقعاً بر اساس ارزش خود اشعار جایگاهی شایسته داشته باشد، این‌که چنین دست‌آورده نتیجهٔ محیط ادبی و تربیتی طبیعی آن دربار بوده باشد و نیز از علاقهٔ طبع خود پادشاه ناشی شده باشد، و سپس به دنبال اقتضایات سیاسی، از چنین توان فطری‌ای برای مقاصد سیاسی نیز استفاده شده باشد، احتمالی پذیرفتی تر است که اگر هم نادرست پنداشته می‌شود باید طرح و با استدلال محکم‌تری رد شود. از چنین طرح و ردی در مقدمه پری اثری نیست. ضمناً در هیچ جای این مقدمه مشخص نیست مصاديق فرض «انفعالی تولید محتوای باکیفیت به زبان ترکی» دقیقاً

9. PÉRI, Benedek (2017). “From Istāmbōl’s throne a mighty host to Irān guided I;/Sunken deep in blood of shame I made the Golden Heads to lie”: Yavuz Sultan Selim’s Persian poetry in the light of the Ottoman-Safavid propaganda war”. In: KELLNER-HEINKELE, Barbara & Pál FODOR (eds.). *Archivum Ottomanicum*. Weisbaden: Harrassowitz Verlag. pp. 183-192.

روبرو هستیم که حدّاً قل بِنَگَارْنَدَه روشن نیست که آیا به این علت رخ داده‌اند که مصحح در خواندن نسخه دچار مشکل بوده، یا ایراد چاپی رخ داده، یا در انتقال متن نسخه به متن چاپی سهل‌انگاری شده‌است. «دعوای» به جای «دعوی» (ص ۶۹)، «پاش» به جای «پایش» (ص ۷۱)، «برس» به جای «پرس» (ص ۹۸) را - که همگی وزن شعر را نیز مختلط کرده‌اند - از دیگر نمونه‌های غلط‌های املایی می‌توان به شمار آورد (درباب ناشنایی مصحح با وزن شعر فارسی در ادامه خواهیم گفت).

٢.٢. تحریف و تصحیف

خطاهای تحریفی در این متن آنقدر مکرر رخ داده که خواندن متن را برای فارسی‌زبانان و بهخصوص اهالی ادبیات بسیار آزارنده کرده است.^{۱۳} این خطاهای اگرچه با بسامدهای متفاوت، در تمام دیوان مشاهده می‌شود و به دست دادن تمام آن‌ها ناممکن است. ناچار به ارائه نمونه‌هایی اکتفا می‌کنیم:

در نخستین قصیده - که تنها در نسخه مجلس ۱۳۳۹۲ دیده می‌شود (نک. ادامه) - واژه «بزنگاه» به صورت «بزنگاه» ضبط شده است. با مراجعه به نسخه مذکور متوجه می‌شویم که کاتب این نسخه - که از قضا ایرادات متعددی در نقطه‌گذاری دارد - اینجا نقطه‌های حرف «ز» و «ن» را بهم چسبیده و تا حدی شبیه به سه نقطه نوشته است و پری نیز عیناً آن را در متن آورده، بدون این که به شکل و معنی واژه و حتی ضبط درست نسخه توّجّه کند.

در همین قصیده، مصحّح در مصرع اوّل بیت چهاردهم، «صبر» را «جبر» خوانده (خود بگو ای مه بی رحم که چون جبر [کذا] کنم؛ ص ۷۲)، زیرا کاتب نقطه‌ای اضافه زیر واژه گذاشته است. کاتب نسخه مجلس ۱۳۳۹۲ در گذاشتن نقطه‌ها سهل انگار است و البته قدری آشنایی با ادب فارسی کافی است تا اگر در نسخه صریحاً

۱۳. بر مبنای آنچه وی در بخش سپاس‌گزاری گفته است، دکتر مژده محمدی، کتابدار مرتع و مسئول بخش خطی کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، در خواندن نسخه به او یاری رسانده است.

و در عوض مطالب کم اهمیت تری را در مقدمه اش بگنجاند.
این پندار با خواندن متن دیوان قوت بیشتری می گیرد.

۲. متن دیوان (ص ۶۷-۲۸۹)

نخستین مسئله‌ای که دربارهٔ متن این چاپ می‌توان مطرح کرد، عدم رعایت قواعد پایهٔ نگارشی و ویرایشی زبان فارسی است. این ایرادات مکرّر تر و واضح تراز آن است که بخواهیم آن‌ها را صرف‌سه‌های و مربوط به حروف چینی و مراحل چاپ متن بدانیم.^{۱۱} در ادامه نشان خواهیم داد که عمدّه اشکالات یقیناً به علت آشنایی ناکافی مصحّح با زبان و به‌تبع آن ادبیات فارسی رخ داده‌است. لازم است گفته شود که مصحّح اشعار را شماره‌گذاری نکرده، ولی در تعلیقات گاه از عددنویسی رویی جهت اشاره به ابیات استفاده کرده‌است؛ در نتیجه، خواننده باید جهت مراجعته به بیت موردنظر، ابیات هر شعر را خود بشمارد. در توضیحات دیگر و نسخه‌بدل‌ها نیز اشاره‌ای به شمارهٔ بیت نشده‌است و خواننده باید حدس بزند نکتهٔ پا تفاوت مذکور کجای شعر است.

۱.۲. غلط‌های املایی، متعدد

این غلطها در تمام دیوان پراکنده است و از همان نخستین شعر دیوان با عنوان «مناجات در بارگاه قاضی الحاجات»^{۱۲} آغاز می‌شود که در آن ضبط «پیشه چشم» به جای «پیش چشم» را می‌بینیم (ص ۶۹). در شعر دوم - که در نعت پیامبر است - طرفه‌ترین غلط املایی با تکرار واژه «مصطفا» به جای «مصطفی» در «ردیف» شعر رخ داده است! بسامد غلطهای املایی در ابتدای دیوان بیشتر است، اما ایراداتی چون فاصله بین حروف یا جا افتادن حروف از میان واژه‌ها (مثلًا «افکدهای» به جای «افکندهای») (ص ۷۲)) و عجیب‌تر از آن، حروف افزوده (مثلًا «اعزت» به جای «عُزّت») (ص ۷۵) در سرتاسر دیوان مشاهده می‌شود. علاوه بر این، با ایراداتی

۱۱. نسخه نهایی این تصحیح تنها از نگاه میکلولوش شارکوزی، ایران‌شناس امیرجانستانی، گذشته است (نک. بخش سپاس‌گزاری، ص. ۷). هرچند نمی‌توان به این جهت ایراد اساسی ای را متوجه شارکوزی دانست، این موضوع بار دیگر بر لزوم درنگ بر وضعیت ایران‌شناسی در خارج از مرزهای ایران تأکید می‌کند. بدلاً از این، نسخه الکترونیکی این متن در صفحه آکادمیای مصحح بارگذاری شده و او، فارغ از علت این خطاهای این تصحیح را با همین کیفیت و بدون توضیح بیشتری شایسته انتشار دانسته است.

۱۲. مصحح توهضیح، در زمانه حکومگ نگک، انتخاب عنان برای اشعار نداده است.

- مصحح واژه «نکهت» را هریار به صورتی تحریف کرده است. مثلاً در بیت سی ام از قصیده پنجم - که تنها در نسخه مجلس ۱۳۳۹۲ آمده است - (از لطف تو نسیم سحرگاه نکهتی) یک نسبتی ز لف تو مشک تtar هم؛ ص ۸۰) «نکهتی» را «نگفتی» خوانده است. همین مورد در قصیده هشتم هم تکرار شده (وزن نکهت گیسوی تو تایافت نسیمی؛ ص ۸۵) که «نکهت» را به شکل «نگهات» وارد متن کرده است. در این موارد نیز، مانند بسیاری موارد دیگر، از دست رفتن وزن شعر و معنی مورد توجه مصحح نبوده است.
- با وجود چنین خطاهای آشکاری در متن، نمی‌توان توقع داشت که مصحح تحریف‌های نسخه‌ها را تشخیص دهد و دست به اصلاح متن با تصحیح قیاسی بزند. نمونه‌ای از چنین تحریف‌هایی در مصرع اول بیت دوازدهم از قصیده شماره ۱۱ رخ داده است. این مصرع به صورت «هنر بر بیشه مردی، پلنگ کوه استغنا» ضبط شده است (ص ۹۰) که واضح است که معنا ندارد. پری نسخه‌بدلی برای این مصرع نداده است، ولی با مراجعه به نسخ در دسترس متوجه می‌شویم که از سه نسخه‌ای که این قصیده را در بر دارند، یکی (مجلس ۲۱۰۱۳) این بیت را ندارد، دیگری (اورشلیم ۱۱۲۸) بخش نخست را به صورت «هنرجو پیشه» نوشته (گ ۹) و پری در واقع ضبط نسخه سوم (حاجی محمود افندي) را به متن آورده است. نگارنده گمان می‌کند این ترکیب در اصل «هزیر/ هزیر بیشه مردی» بوده باشد که در هر دو نسخه تحریف شده است.
- هرچند مصاديق ناشنایی مصحح با زبان فارسی کافی است تا متن مصحح او را بی اعتبار بدانیم، آن‌چه بیش از همه اهلیت مصحح را در تصحیح معلوم می‌کند یا زیر سؤال می‌برد، بررسی ضبط‌های منتخب او از میان نسخ است. پری، بنا بر آن‌چه خود در مقدمه اذعان داشته، اغلب در انتخاب ضبط‌ها از چاپ هورن پیروی کرده است، اما در مواردی که خود دست به انتخاب زده، اشتباهات بی‌شماری در گزینش ضبط‌ها کرده است. خطاهای پری در قصائد بیش از غزل‌ها است، چراکه هم در قیاس با غزل‌ها پیچیدگی‌های «جبر» هم آمده باشد، حدس بزیم که تحریف «صبر» است.
- در همان اوّلین شعر دیوان، مناجات، آنچه مصحح «رخسار گاهی» خوانده و ثبت کرده است (همان) «رخسار کاهی» است و در هیچ یک از نسخ اساساً سرکش «ک» نوشته نشده (ز شرم گنه چون شفق با کواكب/ کنم سرخ از اشک رخسار کاهی).^{۱۴} گاهی، از جمله در همین مورد، پری صرفًا اشتباه هورن را تکرار کرده است. اشتباه در ضبط همین لغت در قصیده ۳ نیز تکرار شده است و این بار، برخلاف مورد قبلی که بیت معنای دست‌و‌پاشکسته‌ای پیدا می‌کرد، «گاهی» هیچ معنای محصلی ندارد: «این چشم [کذا] صحیح: جسم] خاکی ام که چو گاهی شد از غمت/ تا کی برد به هر طرفی باد صرصرش» (ص ۷۷).
- یکی دیگر از موارد تصحیف در دو واژه «شیبر» و «شبر» رخ داده است. تمام نسخ در دسترس نگارنده، جزو نسخه حاجی محمود افندي ۳۶۳، در نقطه‌گذاری این دو واژه دچار سردرگمی هستند و اغلب آن‌ها را به صورت «شیبر» و «شبر» ضبط کرده و یا نقطه‌گذاری نگرده‌اند. در چاپ هورن نیز همین ضبط وارد متن شده است. پری نیز در این مورد، مانند بسیاری موارد دیگر، از او پیروی کرده (ص ۷۷) و حتی در نسخه‌بدل‌های انتهای کتاب، ضبط صحیح نسخه حاجی محمود افندي را به دست نداده است.
- در قصیده ۲، مصرع «نهنگ جوهر تیغش به هیئت اژدر...» به صورت «نهنگ چو هر تیغش به هیئت مخدوش کرده است. در اکثر نسخ به طور واضح «جوهر تیغ» قابل خواندن است و به نظر می‌رسد آن‌چه باعث شده مصحح آن را «چو هر تیغ» بخواند، ناشنایی با ترکیب و معنای «جوهر تیغ» باشد.

^{۱۴} با توجه به ایرادات دیگر مصحح، نمی‌توان انتظار داشت متوجه اشکال قافیه در ضبط «گاهی» شده باشد. عبدالحسین اسماعلی نسب، مصحح دیوان سلیم چاپ ایران، نیز همین خطأ را مرتکب شده و توجهی به ایراد قافیه کردن یا مجھول با یا معرف نکرده است (نک. سلیم، ۱۳۸۶: ۳۶).

تصحیح کوچک جلوه می‌کند.
- و عاقبت این‌که تعداد ابیاتی که به‌واسطهٔ جا افتادن کلمات یا خطاهای دیگر ایراد وزنی پیدا کرده‌است در این تصحیح بسیار است. برای نمونه، در ابیات زیادی از قصاید به‌جای «ز»، «از» وارد متن شده و وزن بیت را بر هم زده‌است.

۲. ۴. توضیحات گمراه‌کننده

به یک مثال اکتفا می‌کنیم.

- پری بیت ششم از غزل نخست را به‌صورت «چرا نشنید پند پیر و دل خود شد به رسوایی / سیه‌دل دیده من دم‌بدم خون‌بارتر بادا» ضبط کرده‌است که به او در تعلیقات انتهای کتاب توضیح داده‌است که به نظر می‌رسد کاتبان در خواندن این بیت دچار مشکل شده و نتوانسته‌اند معنای «پند پیر» و «دل خود شد به رسوایی» را درک کنند و سپس تفاوت‌های نسخ را ذکر کرده‌است. هیچ یک از نسخ این ضبط را تأیید نمی‌کند، بلکه اکثر نسخه‌ها مصرع را «چرا نشنید پند و پیرو (= پی‌رو) دل شد به رسوایی» ضبط کرده‌اند و تفاوتشان تنها در کتابت «پی‌رو» است که برخی آن را سر هم و برخی با فاصله نوشته‌اند. ضبط پری همان ضبط مختار هورن و ظاهرًاً تصحیح قیاسی اوست، ولی این را خواننده خود باید از ترتیب نسخه‌بدل‌ها بفهمد. در این مورد، پری نه تنها به امید درست بودن تشخیص هورن ضبط نادرست چاپ او را به متن برده‌است،^{۱۶} بلکه با اعتماد به دانش او، برای این تشخیص توجیهی تراشیده و به کاتبان نسبت نفهمیدن معنای بیت را داده‌است.

- ۲. ۵. ناآشنای با تناسب‌های ستّی در شعر فارسی در قصيدة ۲ که در نسخ مجلس ۱۳۳۹۲، مجلس ۳۶۶۰، ۲۱۰۱۳، اورشلیم ۱۵۵۴ و حاجی محمود افندی آمده‌است، پری بیت دوازدهم را به‌صورت «گهی ز

۱۶. ظاهرًاً هورن «پیرو» را «پیر و» خوانده و وزن مصرع را با افزودن «خود» اصلاح کرده‌است.

زبانی و ادبی بیش‌تری دارند و هم تعداد زیادی از آن‌ها از چاپ هورن غایب هستند. در ادامه مواردی از ایرادات او را ذکر خواهیم کرد:

- ۳. برگزیدن ضبط‌های بدون وزن و / یا معنی علی‌رغم آن‌که پری، در بخش سازواره‌های انتقادی با تقطیع ابیات، وزن هر شعر را به دست داده و در مواردی ایرادات وزنی بعضی از ابیات را ذکر کرده‌است، در این چاپ شواهد بسیاری از بی‌توجهی او به وزن شعر و معنی جملات و عبارات می‌توان یافت. جز نمونه‌هایی از این امر که در بررسی خطاهای دیگر دیدیم، چند مثال دیگر ارائه می‌کنیم، فقط از مواردی که اعتماد به نسخه حاجی محمود افندی باعث شده عبارت نادرستی به متن راه یابد. در موارد بسیاری پری ضبط نادرست این نسخه را به متن برده و ضبط صحیح نسخه‌های دیگر را فروگذاشته‌است، بی‌آن‌که دست‌کم در نسخه‌بدل‌های پایان کتاب به آن‌ها اشاره کند.

- غزل ۳ در پنج نسخه موجود نزد پری آمده‌است و در چاپ هورن دیده‌نمی‌شود. مصرع نخست این غزل در دیوان به‌صورت «مران ز کین به من ای دلربا برای خدا» آمده^{۱۵} که بی‌معنی است. در نسخه مجلس مصرع نخست به‌صورت «مورز کین به من ای دلربا برای خدا» آمده‌است و قاعده‌تاً باید همین ضبط به متن برود.

- در مصرع نخست از بیت آخر همین غزل، ضبط برگزیده ایراد وزنی دارد. این مصرع در نسخه مجلس به‌صورت «چه شد سلیمی اگر شد فزون ز حد گنهت» و در نسخه حاجی محمود افندی به‌صورت «چه شد سلیمی اگر شد فزون تر گنهت» آمده و پری تصمیم گرفته‌است ضبط دوم را به متن بیاورد و به ضبط نسخه دیگر اشاره نکند.

- انتخاب «نیم آگاه ز عشقی که چه حالت مرا» (ص ۱۰۰) در غزل ۲۱ به‌جای «نیم آگاه که از عشق چه حالت مرا» (نسخه مجلس ۱۳۳۹۲: ۶۰) نیز نمونه‌ای از خطاهایی است که در کنار دیگر خطاهای این

۱۵. علت ترجیح این نسخه بر نگارنده روش نیست. شاید تنها نکته‌ای که باعث چنین گزینشی شده «خوانا بودن» خط آن باشد.

علی‌رغم آن‌که در چاپ هورن هم با «ء» آمده، با املای صحیح وارد متن کرده‌است (پریشان حالی فرهاد و مجنون خود همه دانند/ ولی اکنون چو من شوریده‌ای در جمله عالم نیست).

۷.۲. اصالت اشعار

پری اظهار می‌کند که با مقایسه تذکره‌های قرن شانزدهم از وجود ایاتی آگاه شده که در چاپ هورن وجود ندارد و به همین جهت در صدد یافتن نسخ دیگر برآمده است (Peri, 2020b:134). او همچنین در بخش سوم مقدمه تصحیح خود^{۱۷}

ذیل عنوان «یک نگاه کلی» می‌نویسد:

آثار سلیمانی بر اساس نسخه‌ها، از یازده قصیده، پانصد و چهل و نه غزل، یک مخمّس، دو تخمیس،^{۱۸} یک نعت در قالب ترکیب‌بند، یک مناجات، یک نعت کوتاه و یک توحید، همگی در قالب غزل، دوازده قطعه، نُرباعی و دو فرد، یعنی مجموعاً پانصد و هشتاد و هفت شعر، تشکیل شده‌است.

گویا مصحّح به بررسی اصالت اشعار تازه‌یاب اعتمایی نکرده است. این در حالی است که در تعدادی از قصائد جدید نشانه‌هایی وجود دارد که صحت انتساب آن‌ها به سلیمان را زیر سؤال می‌برد. پری در مقدمه تصحیح، ذیل که توضیحات نسخه مجلس ۱۳۳۹۲ (ص ۴۹) ذکر می‌کند که این نسخه از دو قسمت تشکیل شده و در بخش چهارم نتایج تحقیق خود اشاره می‌کند که قسمت اول آن به ترتیب الفبایی و خویشاوند نسخه‌های «گروه اول» است و قسمت دوم توسط همان کاتب بدون هیچ ترتیب الفبایی در ادامه آن آمده است (ص ۵۴)، و توجه نکرده است که احتمالاً پس از استنساخ یک نسخه از دیوان سلیمان، نسخه دیگری به دست کاتب رسیده که آن را به انتهای نسخه پیشین اضافه کرده است. از آنجایی که تعداد قابل توجّهی از اشعار «نویافته» چاپ پری^{۱۹} تنها در همین بخش اخیر این نسخه آمده و در هیچ یک از نسخ دیگر وجود ندارد، بررسی احتمال الحاقی بودن آن‌ها الزاماً به نظر می‌رسد. نگارنده در آینده مستقلًا درباره بررسی اشعار دخیل و اصیل سلطان سلیمان، علت و نحوه

17. An Assessment of Selim's Poetry.

۱۸. مراد از «تخمیس» مخمّسی است که با تضمین شعری از شاعر دیگر ساخته شده است.

۱۹. غزل از مجموع ۵۳۹ غزل و ۵ قصیده از مجموع ۱۱ قصیده.

خدمت ادب او خرد حیران/ گهی ز وصف خط دلکشیش قلم مسطر» در متن آورده است. گذشته از اشتباهی که در آوردن «ادب» به جای «آداب» رخ داده (و باز وزن شعر را مخدوش کرده است)، پری ضبط «مسطر» را - که تنها در نسخه حاجی محمود افندی آمده - به جای «مضطر» انتخاب کرده است. این در حالی است که تناسب «مضطر» با «حیران» روشن است و اکثر نسخ نیز این ضبط را تأیید می‌کنند.

- در بیت ۴۱ همین قصیده، مصرع دوم به این صورت آمده: «به خاک پات که ما راست کیمیای بصر» که باز ضبط حاجی محمود افندی است؛ حال آن‌که در نسخه مجلس این ترکیب به صورت «توتیای بصر» ضبط شده و برتری آن بر «کیمیای بصر» آشکار است.

- در قصيدة ۹ که از جمله قصائدی است که تنها در نسخه مجلس ۱۳۳۹۲ (۱۰۱-۹۹ پ.ج) آمده است، مصحّح واژه «خزان» را به سبب آن‌که کاتب الف را به نون وصل کرده، «حزین» خوانده است (که مبادا چمن حسن تورا روز حزین) (ص ۸۸) و تناسب آشکار بین «چمن حسن» و «خزان» به ذهن مصحّح متبدار نشده است.

۶. آشفتگی در درج «باء ابت»

یکی از ویژگی‌های رایج نسخ خطی فارسی آن است که در آن‌ها به جای «ای» در انتهای واژه‌های متنه به «ی» یا «ء» از علامتی شبیه «ء» استفاده شده است، مثلاً «پرنده» به جای «پرنده‌ای». همین موضوع درباره اکثر نسخ دیوان سلیمان نیز صدق می‌کند. پری گاه در انتقال واژه‌های دارای این نشانه، آن را به «ای» تبدیل کرده و گاه این کار را نکرده است. مثلاً در بیت دوم از بند دوم شعر «نعت شریف»، «جبهای» را به همان صورت «جبه» - که در نسخ در دسترس او و چاپ هورن بوده - وارد متن کرده است. «لمعه» در بیت بیست و نهم از قصيدة ۲ نیز از همین دست است (به لمعه‌ای که ز رویت فتاده بر خورشید). چنین مواردی می‌تواند این شائبه را ایجاد کند که مصحّح با این ویژگی رسم الخطی آشنایی نداشته یا تصمیم گرفته است همیشه رسم الخط کهن را رعایت کند؛ حال آن‌که می‌بینم مثلاً در غزل شماره ۱۰۶، «شوریده» را



من/بیزار شاعری شوم و هر شعار هم» (ص ۸۱). خواری بی حد و حصر در مقابل معشوق را اگر از سلیم در غزل‌هایش پذیریم، خود را چنین پست کردن در قصیده‌ای با ممدوح حقیقی کمی بعيد به نظر می‌رسد: «خوارم ز بس که کردی پیش همه عزیزان/ از من سگان کویت دارند نیز عاری» (ص ۸۹). به علاوه، باید پرسید که ممدوحان بالقوه سلیم چه کسانی می‌توانسته‌اند باشند؟ احتمالاً «پیامبر»، «صحابه» و یا «پدرش سلطان مراد عثمانی، در زمان ولی‌عهدی سلیم» که ظاهراً در قصائد نشانی از آنان نیست. در میان قصائد منتبه به سلیم، نام «احمد»^{۲۲} (ص ۷۶، ۷۸، ۷۹)، «عباس» (ص ۷۳) و احتمالاً «ویس» (ص ۸۲) به چشم می‌خورد که به فرض آن که حتی پادشاهی دیگر، وزیری و یا مخدومی محظوظ باشند، بسیار دور از ذهن است که سلیم اوّل عثمانی چنین ذلیلانه به مدح آنان بپردازد.

۲. ۸. حذف بدون توضیح ایيات

برخی ایيات در نسخ مورد استفاده پری هست، اما در متن اشعار چاپ او حذف شده و در تعلیقات هم اشاره‌ای به آنها نشده است:

- در قصيدة ۱۰، بین ایيات ۲۸ و ۲۹ تصحیح پری، در اکثر نسخ، بیت «جسم ز سنگ بیداد گه سرخ و گه کبود است/ آخر تر حمی کن بر چشم اشکباری» آمده است.

- در غزل ۲۸ - که تنها در دو نسخه مجلس ۱۳۳۹۲ و حاجی محمود افندي ۳۶۳۰ دیده‌می‌شود - در نسخه مجلس بین بیت ۵ و ۶، بیت دیگری وجود دارد: «سخن از کوثر و جنت چه کنی با من رند/ که همین آرزوی جام سبو مانده مرا».

ایيات فوق در متن و در تعلیقات نیامده و علت کنار گذاشتن این ایيات از تصحیح هم معلوم نیست و ظاهراً تنها از قلم افتاده‌اند. در قصيدة ۴ تعداد ایيات از قلم افتاده به ۵ می‌رسد.

از سوی دیگر، ایيات محدود در نسخه‌ها نیز به دفعات مشخص نشده است. به خصوص در قصائد، ایيات زیادی در

۲۲. این احمد قطعاً احمد مختار، یعنی حضرت محمد ص نیست. از هیچ یک از ویژگی‌های پیامبر اسلام در این قصاید نشانی نیست.

خلط آثار شاعران دیگر با اشعار او و نشانه‌های اشعار دخیل خواهد نوشت و اینجا به اختصار به برخی از این نشانه‌ها اشاره می‌کند:

- نشانه‌های آشکار تشیع: در سه قصیده از یازده قصیده‌این چاپ، شاعر پس از نام مصطفی، بی آنکه نامی از سه خلیفه نخست ببرد، از اهل بیت نام برده است. بیت ۴۳ قصيدة سوم (پیش ز جان عزیزتری بلکه جان تویی/ شاهانه قسم به حیدر و شبیر و شیرش، ص ۷۷)، بیت ۳۲ قصيدة ششم (هم به حق مصطفی و مهر او با امتنان/ هم به حق اهل و آبروی بوالحسن) و بیت ۱۵ قصيدة یازدهم (هم اخلاق نبی داری و هم نطق کلیم الله/ هم اوصاف علی دارد کفت ای یوسف ثانی) نیز نشانه‌هایی از گرایش به تشیع دارند.^{۲۳} حتی اگر پیرو فرضیه‌پری، جامعه‌هدف شعر او را «عجمیان فرهیخته»^{۲۴} نک. (Peri, 2017:183-192) و فارسی‌گویی اش را بازی تبلیغاتی بدانیم، باز هم سخت است باور کنیم پادشاهی متخصص بر مذهب تسنن که شاه اسماعیل و قزل باشان شیعه او را در مکاتبات خود فرقه «ضاله سرنگون» (نوائی، عبدالحسین، ۱۳۶۸: ۱۱۸) خوانده است، آنقدر در نقش تبلیغاتی خود فرو برود که ممدوحش را به خلیفه چهارم، امام اوّل شیعیان، و اهل بیت‌شیعیان تشبیه کند و به آنان سوگند بدهد و بخورد، اما از خلفای دیگر حتی نام هم نبرد.

- خصیصه‌های شخصیتی شاعر: از جمله اطلاعات درون‌شعری که می‌تواند سرنخ‌هایی از هویت شاعر در اختیار مخاطب قرار دهد و صحبت انتساب شعری را به او روشن کند، یکی توجه به شیوه مدح و از طرف دیگر ممدوح اشعار است. ایيات این قصائد چنان مشحون از دریوزگی شاعر است که سخت ممکن است اثر طبع یا ووز سلطان سلیم باشد. برای مثال، شاعر در قصيدة پنجم در مقابل مدح خود این‌گونه تقاضای صله دارد: «گر این قصیده را ندهی جایزه به

۲۰. ارادت به خاندان پیامبر اسلام در قصائد اهل تسنن، علی‌الخصوص از قرن نهم به بعد، سابقه‌دار است، اما نه آن‌جا که با یکی از بزرگ‌ترین دشمنان شیعه در تاریخ رویرو باشیم. در این مورد انتظار می‌رود که سلیم حداقل در کنار مدح اهل بیت، گاه نامی از بزرگان مذهب خود هم بردۀ باشد.

21. Educated Acem.

و افزوده در نسخه‌ها گفتیم، نقص نسخه بدل‌ها در تصحیح پری چند شکل دارد:

- گاه هیچ اشاره‌ای به ضبط‌های متفاوت نسخه‌های موجود نشده است. به طور مثال در همان شعر نخست، مصرع اوّل از بیت آخر، به صورت «به غیر از توام نیست از کس امیدی» آمده (ص ۶۹) و ذیل «تفاوت‌های متنی» (Textual Variations) در تعلیقات مربوط به آن، هیچ تفاوتی ضبط نشده است (ص ۲۹۱). حال آنکه این مصرع در نسخه مجلس ۲۱۰۱۳ (ص ۸۴)، لالا اسماعیل ۴۴۹ (گ ۳ ب)، حاجی محمود افندی ۳۶۳۰ (گ ۱ ب)، «به غیر از توام نیست کس وز توام من» و در نسخ عاطف افندی ۲۰۷۷ (گ ۱ ر) و نور عثمانیه ۳۸۲۷ (گ ۲ ر) «به غیر از توام نیست کس ور توام من» ضبط شده است (تمامی این پنج نسخه - که حاوی دو گونه از یک ضبط اصلی متفاوت با متن هستند - از نسخ در دسترس پری بوده‌اند).

- شکل دیگری از کاستی در ضبط نسخه‌بدل‌ها - که بسامد بیشتری هم دارد - آن است که تفاوت تکواژه‌ها در ابیات ذکر نشده است. به طور مثال در مصرع «جان صبا ز طوف چمن تازه گشت و گفت» از پاره اوّل شعر «نعت شریف» (دومین شعر دیوان)، بخش مشخص شده این نسخه‌بدل‌ها را دارد: «ز طوف جهان» (لالا اسماعیل ۴۴۹ و عاطف افندی ۲۰۷۷)؛ «ز طوف جهان» (اورشلیم ۱۵۵۴ و فاتح ۳۸۳۰)؛ «ز طرف چمن» (حاجی محمود افندی ۳۶۳۰ و نور عثمانیه ۳۸۲۷)؛ «ز کشت جهان» (مجلس ۲۱۰۱۳). هیچ یک از این نسخه‌بدل‌ها در دیوان ارائه نشده است.

- نوع بعدی آن است که به وجود نسخه‌بدلی فقط در برخی نسخه‌ها اشاره شده است و در برخی نه. مثلاً در مصرع آخر غزل ۱۸ (اگر بخواند گر براند بی‌نواب خویش را)، ذکر شده است که حاجی محمود افندی و لالا اسماعیل به‌جای «گر» ضبط «ور» دارند، اما از نسخه مجلس ۱۳۳۹۲ - که در اختیار مصحح بوده و از قضا در آن هم «ور» آمده - یاد نشده است.

- دیگر آنکه مصحح، به رغم آنکه به دو نسخه مجلس ۱۳۳۹۲ و ۲۱۰۱۳ دسترس داشته، در مواردی در

نسخ فاتح، اورشلیم و نور عثمانیه درج نشده که اشاره‌ای به آن‌ها نشده است. این اشاره نکردن نیز پیرو ضابطه‌ای نیست که بتوان آن را شیوه مصحح دانست، گو این‌که شیوه نادرستی باشد؛ مثلاً در «نعت شریف» ابیات محدود نسخه‌ها تقریباً به‌تمامی ذکر شده است.

این بخش را با مثالی به پایان می‌بریم که در آن، مجموع ایرادات حروف‌چینی، ناآشنایی با زبان و خط و ادبیات فارسی، و بی‌دقّتی و بازیبینی نکردن متن به نوع بدیعی از اشکال در ضبط یکی از ابیات انجامیده که یادآور خطاهای کتابخان عجول در هنگام روئویسی نسخه‌هاست. بیت هفتم از قصيدة ۴ به این صورت در متن آمده است:

چون می‌کند کسی که گه گهم از ظلم می‌کشد
ساقی ندیده‌ام که کند در خمار عدل

با مراجعه به نسخ می‌توان دید که از ترکیب دو بیت «چون می‌کند ملوول به من چشم یار عدل / صد ظلم خواهم و نکنم اختیار عدل» و «جز نرگسی که گه گهی از ظلم می‌کشد / ساقی ندیده‌ام که کند در خمار عدل»، توأم با خواندن نیمة دوم «نرگسی» به شکل «کسی» بیت نهایی تصحیح پری متولد شده است که یک هجا نیز از وزنش بیرون زده است.

۹. ۲. ضبط نسخه‌بدل‌ها

اساساً «تصحیح انتقادی» متن ادبی، به این معناست که در آن علاوه بر مخاطب عام، امکان رجوع محققان آن حوزه به یک متن قابل اعتماد فراهم شود و انتظار می‌رود سازواره انتقادی چنین تصحیحی جامع تمام نسخه‌بدل‌ها باشد و اگر مصحح مواردی را ضبط نکرده است، پیش‌پیش علت این کار را توضیح دهد. گفتیم که پری خود در مقدمه، در نقد چاپ هورن صراحتاً می‌نویسد که این تصحیح را نمی‌توان یک تصحیح در معنای کامل دانست، چرا که جامع تمام ضبط‌های موجود در نسخ مورد استفاده نبوده است (ص ۶۴). همین نشان می‌دهد که وی از اهمیت سازواره انتقادی کامل آگاه است. با این حال، بهندرت می‌توان شعری را در تصحیح او یافت که در بخش سازواره انتقادی (Critical Apparatus، ص ۲۸۹ به بعد)، تلاشی جهت ارائه کامل نسخه‌بدل‌های آن کرده باشد. جز آن‌چه درباره ابیات افتاده

اروپای شرقی پیوند خورده است. به چه سبب نظراتی بر محتوای کتابی که منتشر کرده نداشته است. همچنین سه ویراستار کتاب که متخصص زبان ترکی و علم تاریخ هستند و تخصصی در زبان فارسی ندارند. بر چه مبنای ویرایش یک دیوان شعر فارسی را بر عهده داشته‌اند؟

مطالعات زبان و ادبیات فارسی در برخی مدارس و مراکز مطالعات شرقی وضعیت کیفی مناسبی ندارد و تولیدات محققان این حوزه به بی اعتباری بیش تراین سنت سابقه‌دار می‌انجامد و استفاده از حاصل چنین مطالعاتی تحقیقات بعدی را نیز به بیراهه می‌برد. دیوان سلطان سلیمان از منابع مهمی است که انتشار تصحیحی منقّح و مفید از آن در مطالعات ادبیات فارسی در عثمانی اهمیتی بهسزا دارد، و این هدف مهم با تصحیح پری قطعاً برآورده نشده است.

منابع

منابع خطی

- سلیمان عثمانی. دیوان. نسخه عاطف افندي ۲۰۷۷ کتابخانه سلیمانیه، استانبول. بی‌تا.
- _____. دیوان. نسخه فاتح ۲۸۷۰ کتابخانه سلیمانیه، استانبول. کتابت عبدالله عبدالواحد. بی‌تا.
- _____. دیوان. نسخه لالا اسماعیل ۴۴۹، کتابخانه سلیمانیه، استانبول. بی‌تا.
- _____. دیوان. نسخه نور عثمانیه ۳۸۲۷، کتابخانه سلیمانیه، استانبول. بی‌تا.
- _____. دیوان. نسخه رشید افندي ۷۲۶، کتابخانه سلیمانیه، استانبول. بی‌تا.
- _____. دیوان. نسخه دانشگاه تهران ۳۹۹۶. بی‌تا.
- _____. دیوان. نسخه حاجی محمود افندي ۳۶۳۰، کتابخانه سلیمانیه، استانبول. کتابت سید محمد فکری الحسینی. مورخ ۱۲۹۳ق.
- _____. دیوان. نسخه کتابخانه ملی اسرائیل (اورسلیم) بیت المقدس) ۱۱۲۸. کتابت مظفر علی. مورخ ۹۶۱ق.
- _____. دیوان. نسخه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ۲۴۹۵. بی‌تا.
- _____. دیوان. نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۸. پاییز-زمستان ۱۴۰۰ [انشای پاییز]

تعلیقات، صرفاً به نوشتن Majlis بسنده کرده و شماره ثبت را ذکر نکرده است. برای مثال، غزل ۴ تنها در نسخه مجلس ۱۳۳۹۲ هست، ولی این از تعلیقات دیوان معلوم نیست (نک. ص ۲۹۴).

- در نهایت، علی‌رغم آن‌که مصحح به نسخ متعددی دسترس داشته است، به علت نواقص مذکور و همچنین شیوه‌ای که او برای ضبط نسخه‌بدل‌ها برگزیده است، یعنی آوردن ضبط‌ها در انتهای کتاب که مراجعه به آن را دشوار می‌سازد، تصحیح انتقادی او از جهت ارائه نسخه‌بدل‌ها نیز قابل اعتماد و مراجعه نیست.

از مجموع آن‌چه در مقاله حاضر آمد، می‌توان نتیجه گرفت که چاپ پنده‌ک پری از دیوان اشعار فارسی یاوز سلطان سلیمان، فایده تحقیقی ندارد و امکان هیچ نوع استفاده علمی را برای مخاطب فراهم نمی‌کند. متن نهایی بارگذاری شده در صفحه‌آکادمیای او در هر سه بخش مقدمه، متن اشعار و سازواره انتقادی دارای غلط‌های فاحش نگارشی و ویرایشی است. هدف یادداشت حاضر به هیچ وجه نشان دادن تمام ایرادات نبوده است، تنها تلاش کردیم تا نشان دهیم اکثر ایرادات این تصحیح نه سهوی و نه نتیجه نبود ویراستاری دقیق، بلکه ناشی از آماده نبودن مصحح برای انجام تصحیح یک دیوان شعر فارسی بوده است.

در حقیقت باید گفت تنها منفعت این چاپ از دیوان سلیمان اوّل عثمانی متوجه شخص مصحح است. پری با داشتن بودجه قابل توجه، نسخه‌های متعدد خطی و البته زمان کافی، چاپی ناسودمند از دیوان سلیمان اوّل به کارنامه تحقیقات ادب فارسی در خارج از ایران افروزده است. عجیب است که چطور نه اداره نوآوری و پیشرفت ملی تحقیقات کشور مجارستان و نه موسسه شناخته شده The Andrew W. Mellon نیویورک، لاقل پس از پایان کار و در ارزیابی نتیجه پژوهش همکاری که برگزیده‌اند، متوجه کیفیت نازل آن نشده‌اند. همچنین باید پرسید که مرکز تحقیقات علوم انسانی بوداپست، وابسته به شبکه تحقیقاتی اتووش لوراند-که با نام یکی از معترض‌ترین مراکز تحقیقاتی

- ----- (2020a). “Yavuz Sultan Selim (1512-1520) and his imitation strategies / A case study of four Hāfiẓ Ghazals”. *Acta Orientalia* 73 (2): 233-251.
- ----- (2020b). “Towards a new critical edition of Yavuz Sultan Selim’s Persian divan: An overview of the manuscripts”. *Akademik Dil ve Edebiyat Dergisi (Academic journal of language and literature)* 4 (1): 132-146.
- Selim (2021). *The Persian Divan of Yavuz Sultan Selim: A Critical Edition*. ed. Benedek Péri. Budapest: Eötvös Loránd Research Network, Research Centre for the Humanities.

منابع چاپی

- حالت، ابوالقاسم (۱۳۴۶). شاهان شاعر. تهران: علمی.
- حقی اوزون چارشی لی، اسماعیل (۱۳۹۱). تاریخ عثمانی. جلد ۲. ترجمه ایرج نویخت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ریاحی، محمدامین (۱۳۶۹). زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی. تهران: پژوهشگاه اسناد اسلامی.
- سلیمان (۱۳۰۶ق). دیوان یاوز سلطان سلیمان. تصحیح حسین حسینی. استانبول: آراکل.
- سلطان سلیمان خان اول. تصحیح پاول هورن. آلمان: مطبوعه دولتی برلین.
- (۱۳۸۶). دیوان سلطان سلیمان عثمانی. تصحیح عبدالحسین اسماعیل نسب. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- نوایی میکله، عبدالحسین (۱۳۰۵). «نفوذ ادبیات مادر سایر ملل: سلطان سلیمان اول و ادبیات ایران». شرق، پیش‌شماره دوم: ص ۳۱-۳۶.
- قزوینی، حکیم شاه ← نوایی، ۱۳۲۳ (بهشت هشتم).
- نوایی، امیر علی‌شیر (۱۳۲۳). مجالس التقائیس. تصحیح علی اصغر حکمت. تهران: مطبعة بانک ملی.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۸). شاه اسماعیل صفوي (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی به همراه یادداشت‌های تفصیلی). چاپ دوم. تهران: ارغوان.
- هروی، فخری (۱۳۴۵). روضة السلاطین. تصحیح عبدالرسول خیام‌پور. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- Peri, Benedek (2017). “‘From Istambol’s throne a mighty host to Iran guided I/ Sunken deep in blood of shame I made the Golden Heads to lie’: Yavuz Sultan Selim’s Persian poetry in the light of the ottoman-safavid propaganda war”. *Archivum Ottomanicum* 34: 183-192.



Table of Contents

Editorial

- Azarbajian and the History of Persian Language and Culture/ **Akbar IRANI** 3-5

Introduction

- Persian: the string binding Different Azarbajian and Anatolia Studies together / **Ali SHAPOURAN** 6-13

The Roots

- The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbajian / **Ali Ashraf SADEGHI** 14-22
The Name Azarbajian and a Brief Phonetic Lexical Point / **Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI** 23-29
The Ossettes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / **Richard Foltz**; Translated by **MohammadTaqi FARAMARZI** 30-40

Azarbajian and Caucasus

- The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / **Behrouz IMANI** 41-57
On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / **Mohsen SHARIFI SAHI** 58-60
Jalīs al-Mushtāq: An Old Romance in Motaqārīb Metre about Transmogrification and Reincarnation / **Mahdi YEILAGHI** 61-76
Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / **Sajjad AYDENLOO** 77-82

Anatolia

- Advice for the Sultans of Rum: The “Mirrors for Princes” of Early Thirteenth-century Anatolia / **Andrew C. S. PEACOCK**; Translated by **Shokoofe MAYBODI** 83-109
Three Letters in “Pure Persian” from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / **Maryam MIRSHAMSI** 110-117
Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised) / **Franklin LEWIS**; Translated by **Manouchehr BIGDELI KHAMSE** 118-134
A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / **Ali SHAPOURAN** 135-147
Safīna-yi Nūhī va *Majmū'a-yi Rūhī*: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / **Seyyed Ali MIRAFZALI** 148-160
The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Âq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / **Ahmad BEHNAMEI** 161-169
A Letter from a Kāzirūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conqueror): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / **Emadoddin SHEYKHOLHOKAMEI** 170-180
The Politics of Historiography in Süleyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / **Furkan İŞİN** 181-190
An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfī-yi Shirazi's *Divan* in Asia Minor / **Fariba SHOKUHI** ... 191-200

Reviews and Critiques

- A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / **David DURAND-GUÉDY** (Review) 201-204
Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / **Andrew C. S. PEACOCK** (Review) 205-206
A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / **Anita AHMADI** 207-218

Lecture

- The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / **Mahmoud ABEDI** 219-226

Gozareh-e Miras
Quarterly Journal of Textual Criticism,
Codicology and Iranology
Third Series, vol. 4, no. 3 - 4, Autumn 2019 - Winter 2020
[Pub. Autumn 2021]
**Dedicated to History of Persian Language and Culture
in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia**

Properietor:
The WRITTEN HERITAGE RESEARCH INSTITUTE

Managing Director & Editor-in-Chief:
Akbar Irani

Assistant Editor:
Masoud Rastipour

Guest Editor:
Ali Shapouran

Managing Editor:
Younes Taslimi-Pak

Cover:
Mahmood Khani

Print:
Miras

**No. 1182, Enghelab Ave.,
Between Daneshgah St. & Abureyhan St.,
Tehran, Iran**

Postal Code: 1315693519
Tel: 66490612, **Fax:** 66406258
Website: www.mirasmaktoob.ir
E-mail: gozaresh@mirasmaktoob.ir

| Dedicated to History of Persian Language and Culture in Azarbaijan, Caucasus, and Anatolia |

Table of Contents

Editorial

- Azarbaijan and the History of Persian Language and Culture / Akbar IRANI 3-5

Introduction

- Persian: the string binding Different Azarbaijan and Anatolia Studies together / Ali SHAPOURAN 6-13

The Roots

- The Etymology of Ten Geographical Names Related to Azarbaijan / Ali Ashraf SADEGHİ 14-22
 The Name Azarbaijan and a Brief Phonetic Lexical Point / Seyyed AhmadReza QAEEMQAQAMI 23-29
 The Ossettes and the Persians: Distant Cousins with a Common Ancient Heritage / Richard FOLTZ; Translated by MohammadTaqi FARAMARZI 30-40

Azarbaijan and Caucasus

- The Poems of Qutb al-Dīn-i Atīqī of Ahar (Tabriz) / Behrouz IMANI 41-57
 On Salmān Sāvajī's Death Date: Did Salmān Die in Safar of 778 A.H? / Mohsen SHARIFI SAHI 58-60
Jalīs al-Mushtāq: An Old Romance in Motaqārīb Metre about Transmogrification and Reincarnation / Mahdi YEILAGHI 61-76
 Sāqī-yī Tabrizi: A *Naqqāl* (Storyteller) of the *Shāhnāma* from Tabriz in the Qajar Period / Sajjad AYDENLOO 77-82

Anatolia

- Advice for the Sultans of Rum: The "Mirrors for Princes" of Early Thirteenth-century Anatolia / Andrew C. S. PEACOCK;
 Translated by Shokoofe MAYBODI 83-109
 Three Letters in "Pure Persian" from Thirteenth-century Anatolia in the Manuscript of *Nāma-yi Salātīn* / Maryam MIRSHAMSI 110-117
 Sultān Valad and the Poetical Order: Framing the Ethos and Praxis of Poetry in the Mewlewi Tradition after Rumi (Revised)/
 Franklin LEWIS; Translated by Manouchehr BIGDELI KHAMSE 118-134
 A Discussion on the Arabic-Persian Dictionary *al-Mirqāt* Based on Its Oldest Manuscript / Ali SHAPOURAN 135-147
Safīna-yi Nūhī va Majmū'a-yi Rūhī: Surveying Two Old Persian Collections from Anatolia / Seyyed Ali MIRAFZALI 148-160
 The Poems of Persian Composers in Fourteenth-century Anatolia in Āq-Shahr (Akşehir) Collection (MS Or. 1094 Leiden Library) / Ahmad BEHNAMI 161-169
 A Letter from a Kāzirūnī Dervish to the Timurid Abū-Sa'īd, Proposing the Alliance with Ottoman Muhammad I (the Conquerer): a Testimonial for Political Role of Sufis in Fifteenth Century / Emadoddin SHEYKHOLHOKAMEI 170-180
 The Politics of Historiography in Süleyman's Court: Shah Qāsim and *Kanz al-Javāhir* / Furkan İŞİN 181-190
 An Introduction to Treatises and Interpretations to the 'Urfi-yi Shirazi's *Divan* in Asia Minor / Fariba SHOKUHI 191-200

Reviews and Critiques

- A. C. S. Peacock, *Islam, Literature and Society in Mongol Anatolia* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / David DURAND-GUÉDY (Review) 201-204
 Christopher Markiewicz, *The Crisis of Kingship in Late Medieval Islam: Persian Emigres and the Making of Ottoman Sovereignty* (Cambridge: Cambridge University Press, 2019) / Andrew C. S. PEACOCK (Review) 205-206
 A Criticism on the Last Published Edition of The Persian *Divan* of Yavuz Sultān Selīm / Anita AHMADI 207-218

Lecture

- The Poems and the Character of Humām-i Tabrizi and His Ghazal in Sa'dī's *Divan*: The Cultural Binding of Tabriz and Shiraz / Mahmoud ABEDI 219-226